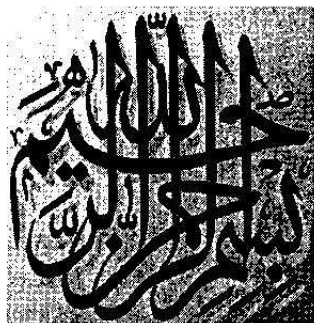




قوم کهن بختیاری

تألیف: پرویز صحرا سگاف

انتشارات معتبر

۱۳۹۸

سرشناسه	: صحراشکاف، پرویز، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: قوم کهن بختیاری / تالیف پرویز صحراشکاف.
مشخصات نشر	: اهواز: موسسه فرهنگی هنری آداب، انتشارات معتبر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۶ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۰۶۶-۴-۵۰۰۰۰۰ ریال: ۴-۵۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: بختیاری
موضوع	: (Bakhtiari (Iranian people
موضوع	: بختیاری — آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	: Bakhtiari (Iranian people) -- Social life and customs
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۷ ص ۳/ب ۷۲/DSR
رده بندی دیو	: ۹۵۵/۹۷۶
شماره کتبشناسی	: ۵۱۸۵۹۳۹

اهواز: چهارراه نادری، اول خیابان شهید سراج شماره ۳۲

تلفن: ۰۶۱-۳۲۲۱۱۳۶۸-۰۶۱ فاکس: ۰۶۱-۳۲۲۲۵۴۹۶

پست الکترونیکی: Moatabar_alavi@yahoo.com



نام کتاب: قوم کهن بختیاری

مؤلف: پرویز صحراشکاف (آرپناهی)

ویرایش: یونس کرمان آرپناهی

عکاس: محمد رضا خدری مرغان

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۸

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه ولیعصر قم

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۰۶۶-۴-۵۰۰۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۳	آغازین سخن
۲۳	فصل اول: ناسمجیک اسطوره تمدن ماقبل تاریخ
۲۳	قلمرو سرزمین بختیاری (قو اکسین)
۲۷	نژاد و تبار بختیاری
۳۱	نمای سرزمین بختیاری
۳۳	فرهنگ قوم بختیاری
۳۶	مباحث پیرامون نماد در فرهنگ قوم بختیاری
۳۷	نماد شجاعت و پیروزی (شیران سنگی)
۳۸	نمای شاهنامه در حماسی - قوم بختیاری
۳۹	نماد آئینی شیران سنگی
۳۹	حجاره شیران سنگی
۴۷	فصل دوم: نمادهای آئینی سوگ
۴۸	کتل محفل ادبی؛ شعر
۵۰	نمای گرائی اسب
۵۱	نمای عاشورایی در فرهنگ قوم بختیاری
۵۲	اجرای مراسم

۵۵	نمای همیاری
۵۶	طلسم
۵۶	بریدن گیسوان زنان و کندن کلاه مردان
۵۸	مباحث پیرامون ریشه گاگریو
۶۴	تقسیمات ایل بختیاری
۷۲	گوش بختیاری
۷۳	بلوط در فرهنگ قوم بختیاری (هویت استقامت و پایداری)
۸۱	فصل سوم: چوقا
۸۴	مباحث پیرامون وفا
۹۰	نمادگرایی هفت و چهار
۹۵	وجوه نمای کلاه
۹۷	فصل چهارم: نمای چله بری
۹۹	نمای انواع بافت قالی
۱۰۳	نمای گرایی باد
۱۰۴	انواع بادها
۱۰۸	نمای آب (آو) و آینه
۱۱۰	مباحث پیرامون نمای موسیقی و آب در فرهنگ قوم بختیاری
۱۱۳	نمای آذینی شیردنگ
۱۱۴	نمای باران (کوسه) فرهنگ قوم بختیاری
۱۱۵	سناریو کوسه
۱۲۰	باورها در فرهنگ آب و هوایی (قوم کهن بختیاری)
۱۲۷	فصل پنجم: نمای شاخ
۱۲۷	نمای گراز در باورهای عامیانه قوم بختیاری

۱۲۸.....	نمای عجوز (دالو)
۱۲۹.....	(آینه) در نمای آئینی و فرهنگ و سنت اقوام بختیاری
۱۳۱.....	نوی آئینی و سنتی آوای بختیاری
۱۳۲.....	نوی یک ایل یک صدا
۱۳۶.....	نوی شاپا (مردان کوچ و ایل)
۱۳۹.....	نمای اسلحه؛ تفنگ
۱۴۱.....	نماد؛ در بافندگی و ریسندگی قوم بختیاری
۱۴۶.....	نمای کاکل؛ گندم حیده (گیسو باف)
۱۴۹.....	نمای؛ همیاری در تعارن
۱۵۰.....	نمای شیرواره (نکار)
۱۵۳.....	فصل ششم: نمای و نوت روی (در باورهای عامیانه بختیاری)
۱۵۵.....	موسیقی بر اساس موضوع
۱۶۷.....	نوی آوایی موسیقای سنتی اقوام گاهنبا، بختیاری
۱۷۰.....	دوبُر (بز نر)
۱۷۴.....	دُواق
۱۷۵.....	«گر زنون»
۱۷۷.....	مناسک گذاری ری گشون
۱۷۷.....	تفریحات و سرگرمی های نمادین در فرهنگ بختیاری
۱۷۹.....	قیقاج
۱۷۹.....	نوا و نمای (نی)
۱۸۴.....	نمای وجاق (روشنایی) نماد زندگی
۱۸۵.....	نماد آئینی ستارگان به اعتقادات باورها قوم کهن بختیاری
۱۸۷.....	فصل هفتم: قران (پیرونه)

۱۸۷.....	شروع کار نمای‌های آئینی (حرکت سیارات)
۱۸۸.....	نمای شکار، صیادی نخجیر
۱۹۵.....	نوی کار آوایی
۱۹۶.....	اقسام رموز شکار
۱۹۸.....	دارهای پازن (نمادین شاخ‌ها)
۱۹۹.....	نمای همیاری (سرباره)
۲۰۱.....	نمای سنگ‌ها، باورهای عامیانه قوم بختیاری
۲۰۲.....	نمای درم‌سک گذار بختیاری
۲۱۰.....	نمادگرایی مهر حال، باورهای تزئینی اقوام کهن بختیاری
۲۱۰.....	نماد مهرها (آرم‌ها) هیت، ال کهن
۲۱۲.....	نماد کوه در فرهنگ گذار اقوام بختیاری
۲۱۴.....	نماد، کوه‌ها، قلعه‌ها، دژهای جنگی
۲۲۰.....	کل نماد اعتقادی و باوری عامیانه درم‌سک گذار
۲۲۱.....	نمادگرایی بردگوری
۲۲۴.....	یغما بردن اشیاء و غنائم عتیقه‌جات از سرزمین بختیاری
۲۲۸.....	سنگ‌های شاه قطب‌الدین (زایش باران خواهی)
۲۲۸.....	مهره مار (طلسم جادویی)
۲۳۱.....	فصل هشتم: نماد نمک در آئین باوری قوم بختیاری
۲۳۵.....	نمای باورها، گابره، کومیر (دویر) ستاره
۲۳۶.....	نمادگرایی صبر
۲۳۸.....	خدر زنده: (نماد آئینی)
۲۴۰.....	گاهنبار جشن زرتشتیان، مید هیو تیر رمید
۲۴۱.....	نماد درخت (شجرهای تقدیسی، زیارتی)

۲۴۵.....	درختان زیارتی در گستره سرزمین بختیاری
۲۵۳.....	فصل نهم: نسخ شناسی موضوعی در موسیقائی قوم بختیاری
۲۵۴.....	نوای هجو، رزم و جنگاوری
.....	نوای اشعار حماسی اسدخان بهداروند (اسدشاه) که بر علیه حکومت فتحعلی شاه
۲۵۸.....	قیام نمود.
۲۶۱.....	نوای اشعار حماسی اله یار خان چهارلنگ محمود صالح
.....	نوای اشعار حماسی شیر علی مردان خان چهارلنگ علیه حکومت پهلوی رضا
۲۶۲.....	شاه
.....	نوای اشعار حماسی محمد تقی خان چهارلنگ کیانرسی که بر علیه حکومت ناصر الدین شاه
۲۶۳.....	
۲۶۵.....	اشعار حماسی چهار سوار «ببین تلع خواجه»
۲۶۷.....	اشعار حماسی جنگ منار
۲۶۸.....	نوای سلحشوری و جنگاوری یکی از سربازان عرب زبان بختیاری
.....	نوای سلحشوری جنگاوری اشعار حماسی میرزا علی خان اسیوند علیه ایلخان و
۲۶۹.....	ایل بیگی های بختیاری
۲۷۲.....	اشعار حماسی داود خان:
۲۷۳.....	اشعار حماسی محمود خان:
۲۸۱.....	نماد هویت زبان
۲۸۲.....	خصوصیات زبان قوم بختیاری
۲۸۲.....	گنجینه لغات: فرهنگ نانگاشته
۲۸۳.....	گویش زبان بختیاری (آواشناخت)
۲۸۴.....	علل حفظ و مصون ماندن زبان مادری فرهنگ اصیل قوم بختیاری
۲۸۵.....	شاهنامه، در فرهنگ شعری بختیاری

نصاب بختیاریان به قهرمانان شاهنامه	۲۸۶
علم سوادآموزی (نمادگری)	۲۸۷
نماد مکتب تا نوای علم	۲۸۸
نوای ترانه‌های فولکلوریک کودکان در فرهنگ ادبی پرورشی و فرهنگ قوم بختیاری	۲۸۹
نماد در ادبیات توصیفی ضرب المثل‌های عامیانه محلی قوم بختیاری	۲۹۴
فصل دهم: نمای اشعار فولکلور آئینی تا نوای آهی گل	۲۹۹
کوچ‌نشینی	۳۰۵
قبایل و اقوام ایران باستان	۳۰۸
سازمان سیاسی ایلات و عشایر ایران	۳۰۸
کوه‌های بختیاری	۳۱۵
دشت‌های بختیاری	۳۱۶
مناطق بختیاری از نظر اقلیمی	۳۱۷
راه‌ها، ایل راه‌ها، ارتباطات	۳۱۸
بختیاری یکی از ایل‌های بزرگ ایران زمین	۳۲۰
فصل یازدهم: اقتصاد و فرهنگ‌سازی	۳۲۳
اقلام دیگر از طریق شکار، جمع‌آوری گیاهان کوهی، بافتنی	۳۲۴
سازمان اجتماعی ایل بختیاری	۳۲۶
سازمان سیاسی	۳۳۲
تخته قاپو (۱۳۱۰-۱۳۲۰)	۳۳۶
گویش بختیاری	۳۴۳
واژه کیخا	۳۴۴
تو میرای، تو بمیری	۳۴۵

- ۳۴۵..... چه کسی؟
- ۳۴۶..... گاله
- ۳۴۷..... هیجار
- ۳۴۸..... هیجار صوتی
- ۳۴۸..... توشمالان میرشکالان. (نوازندگان آئینی سنت دیرینه ی بختیاری)
- ۳۵۵..... پیشینه کرنا در ادبیات فارسی
- ۳۵۶..... نمای ادبی ضرب المثل های قوم بختیاری
- ۳۵۸..... سال طلوعی، سره شر
- ۳۶۲..... سال رشد
- ۳۶۳..... نمای شعر موسیقایی را ادبیات فرهنگ قوم بختیاری
- ۳۶۵..... نمای شعر عرفان قوم بختیاری
- ۳۶۷..... نمای لوح سنگی علیه نظام سلطنت موبران آرنه
- ۳۶۹..... نمای تخته قاپو
- ۳۷۳..... سازمان اجتماعی
- ۳۷۵..... سازمان سیاسی
- ۳۷۹..... سلطنت محمدرضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۵۷)
- ۳۸۲..... سنگ نگاره برد آردا
- ۳۸۳..... اثر فرهنگی قوم کهن بختیاری
- ۳۸۶..... زادگاه نیاکانم «آرنه»
- ۳۸۷..... نمای خلیل خان و میرخوشنامی سنه ۱۱۳۰ هجری

هر نقش که بر تخته هستی پیداست
آن صورت آن کسی است کان نقش آراست
(فیض کاشانی)

دیباچه

سپاس خدای را بر نعمت‌های پی‌درپی او، باغ‌های نعمتش را در طول روز می‌نگرم و همه شب در آغیزهای احسانش فرو می‌روم. درود بر سرور فرزندان آدم و بهترین کسی که جهان را به جمان او آراست محمد (ص) که صاحب شریعت اسلام است و فراخوانده‌ی پری و آدمی به بهشت جادان و درود بر خاندان او که به انوارش هدایت شدند و به یاران او که از آثارش پیروی کردند.

سپاس بیکران یزدان مقتدر و مهربان مافوق‌ترین نیروی قدرت و عظمت که جهان را بر وحدت و یگانگی استوار و بشر را با فطرتی و ذات مدار در مسیر رشد و کمال راهنمایی و هدایت می‌کند. همه کس از نیروی فطرت بهره‌مند است و به سوی او رشد و کمال تحول پیدا می‌کند. یزدان را همواره ستایشگر و سپاس‌گزارم، توانستم این فرهنگ وحدت مدار قوم بختیاری را که در زمره‌ی مدارهای فرهنگی معنوی جوامع جای می‌گیرند و پژوهش در این مورد توجیه‌کننده و شناساننده‌ی هویت فرهنگی جوامع ایران باستان است.

با عنایت سازمان یونسکو در پیش‌نویس کنوانسیون خود درباره‌ی میراث فرهنگی ملل جهانی اذعان نموده‌اند از جمله آداب، رسومات، نمادها، مهارت‌ها، دانش‌ها، آثار، طریقه زندگی، رویه‌ها، اماکن فرهنگی در زمره‌ی میراث فرهنگی طرح و

پروسه‌ی جهانی شدن ممالک از خطر زوال تدریجی و یا استحاله‌ی مواریث فرهنگی و معنوی را به دنبال دارد. می‌توانیم جلوه‌ای از فرهنگ غنی قوم گاهنبار قوم کهن بختیاری که ریشه در تمدن باستانی ایران زمین دارند. به دایره تعریف و تحلیل و بررسی کشانیده و از این فرایند آداب و رسومات، ادبیات غنی، گفتمان‌های فرهنگی مورد توجه محافل فرهنگی ایرانی و مراکز مردم شناسی و سازمان یونسکو واقع گردند.

۱- یگانه کمبودی که باید آن را به معنای واقعی جبران کنیم حس جدایی از خداوند است. جهان بینی، سنت گرایی، اصالت هدف ما، رد مطلق بودن ادعاهای علم جدید و باز کردن فضا برای تحقق نگاه دینی به نظام سنت و اصالت و طبیعت است.

از روزگاری که بشر علم رنسانس، تقدیس حیات را فراموش کرده و به کل اصالت بشریت و نظام طبیعت به مثله مجموعه‌ای خالی از روح و ماشین که تنها برای بهره‌کشی انسان آفریده شده است، برخورد کرد. نگرش قدسی انسان‌ها به طبیعت و تقدیس آن به فراموشی سپرده شد. بهره‌کشی از طبیعت و ثروت‌اندوزی تنها هدف این بشر متجدد شد. که هر روز پیش از پیش برای ارضای حرص و از لجام گسیخته خود و هرگونه تجاوز به طبیعت و هتک حرمت آن را مجاز می‌شمرد.

۲- در قرون پیش از رنسانس و انقلاب صنعتی، انسان سنتی، یعنی انسانی که هنوز از خود و خدای خود بیگانه نبود. عالم طبیعت را مظهر تجلی و جلال الهی می‌دانست و وجود خدا را از طبیعت و از آفریننده آن جدا نمی‌دید. در نظر او طبیعت انسانی برگ سبز هر درختی دفتری از معرفت کردگار و نشانی از عظمت و سلاقت خداوند چنین انسانی حفظ حرمت طبیعت را به مثابه بخشی از فریضه دینی و اخلاقی خود بسیار جدی می‌گرفت و تجاوز به حریم طبیعت را در حقیقت طغیان و سرکشی در برابر خداوند است.

۳- هر دینی دارای گنجینه‌ای از علوم و تجربیات درباره نظام طبیعت و اصالت بشر

است در بسیاری از علمای دین مسیح و نیز متفکران یهودی در غرب در تلاش هستند بر مبنای دین نظریاتی دربارهٔ اصالت بشریت یا الهیات بوم‌شناسی تدوین نمایند. در حال حاضر پس از قرن‌ها غفلت پیروان مذهب پروتستان (کاتولیک‌ها) افکاری فراتر از مرزهای دینی در حفظ اصالت بشریت و طبیعت کوشیده‌اند.

۴- دنیای متجدد دنیای که تاریک قرن پیش مأوای اصلی آن مغرب زمین بود. اما اکنون به قاره‌های دیگر نیز سرایت کرده و سبب اصلی انهدام معنویت و اصالت بشریت است.

در عین حال به سرعت قدرت تکوین خداوند حقایقی که بر روح لوح محفوظ نگاشته شده بود. به عالم انسانی و به سطوح پایین وجود در نهایت به عالم طبیعت نازل شد و هر چیزی بر اساس میزان تلاک خلق شده و میزانی دارند.

آغازین سخن

نگارش، ناب‌ترین و زیباترین تجلی فرهنگ می‌باشد، لذا در این زمینه ارزش‌های گم شده دیگر باره مطرح گردیده و به آن حیات گویاتر و پویائی بخشیده گردد.

تا در این راه به دور دست‌بال و پر گشوده و در احای ارزش‌های نیاکان و قوم اصیل بختیاری در راستای آیین‌ها و مناسک عامیانه که هویت هر قوم و ملتی را حراست و محافظت نمائیم، و در این راه زمینه‌ساز و رهگشای حرکتی سیره‌مبتنی بر ارزش‌ها و باورهایمان حاصل آمده، که در بدو امر به موارث فرهنگی و مقتضیات تحلی‌ام در امر تعلیم و تعلم در مناطق عشایری سرزمین بختیاری که تجلی و زیبایی خویش را همواره در قالب دستاوردها تشکیل داده و متناسب با موقعیت و طبیعت عرضه شوند. در شرایطی که فرهنگ بیگانه بی‌هویت مادی با تهاجمات فرهنگی در رسانه‌های ماهواره‌ای در اکثر نقاط این سرزمین جهت ارائه برنامه‌ها و فیلم‌های خاص ما را از اعتقادات مذهبی و آئین‌های ایمانی و خودی تهی سازند. بر آن شدم تا پژوهشات و

کنکاش‌های خویش در شناخت سرزمین قوم بختیاری که یکی از اقوام کهن و گاهنبار ایران باستان قلمداد می‌باشند و در بخش دوم ریشه پیدایش نوع نمادها یعنی خاستگاه آن‌ها در بررسی تطبیقی آن‌ها با مذهب باورها و نگاره‌هایی که در زندگی ایل بختیاری جاری بوده و سرچشمه‌ی بسیاری از امور فطری و عملی بوده‌اند.

در این اثر برای توضیح مفهومی نمادها در مباحث نمادهای اساطیری ملل از بدو پیدایش دایره تحلیل اشاره شوند. نوشتاری که در برابر شما خواننده گرامی قرار می‌گیرد، اما وردی است. غالب نمادها با آئین و سنت‌ها ارتباط تنگاتنگی دارند که نظریه مبتنی بر این امر که همه نمادها از آئین‌ها و سنت‌ها نشأت می‌گیرند که این گونه نماد به دست آمده‌های حاضر پویائی بخشند.

مباحث پیرامون واژه بخت، بختیار و اطلاق این نام بر اقوام بختیاری

الف: لفظ بخت در فارسی، مانده و نه، از جمله وجه ساده و حسی به مفهوم ذهنی - فلسفی سرنوشت و تقدیر الهی در برابر کرشمه و اختیار بشر - گسترش یافته از ریشه ایرانی باستان BOJ هندو ایرانی به معنی بخشیدن (بخش کردن و قسمت کردن) است. واژه مشترک هندو ایرانی BAJA به معنی خدا و بخشنده بهره نیک (فارسی باستان BAJA) و هندی باستان BHAJA است. ص (۱۹۹) صفت مفعولی BAXTA اوستایی به سه معنی بخت نیک (وندیداد. ۱ بند ۱) بخت بد (تریشت بند ۲۳) و پیش آمد و نصیب و سرنوشت (وندیداد. ۵۱ بند ۹ و یشناسپست. ۳۸) دارمستن ج ۲ ص ۶۷۶ و نیز صورت BAXOEA اوستایی به معنی قسمت و نیم ب^۱:

ب: مفهوم واژه بخت از لحاظ مفهوم در زمره واژگانی است که مانند زمانه. روزگار. اختر سپهر و آسمان باری از معنای تأثیر نیروی عالم بالا بر سرنوشت آدمیان دارند. چنان که بعضی از وام واژه‌های عربی مانند قضا و قدر نیز همین حال را در دوره

^۱ - دانشنامه جهان اسلام انضمام غلامعلی حداد عادل

مباحث متفکران ساسانی پیرامون بخت:

نیروی بخت یا قدرت سرنوشت مقدر یکی از مفاهیم کاملاً برجسته و مهم آیین زرتشتی در دوره ساسانی است. خیر و شر را پیام داده مستقل و جداگانه هر یک از دوران ازلی (اهورا و اهریمن) و خواست انسان می‌داند. و آشکارا هر آدمی را مسئول اعمال خویش می‌شناسد. دیدگاه مردم روزگار ساسانیان، بخت تأثیر مهمی در زندگی آدمیان دارد. واژه بخت که هر سه به جای یکدیگر به کار می‌روند. بخت یاری گاهی از حکم و خواست ایزدی اراده شده است و از اختصاصی دیگر و مرادف بخت در فارسی دانا (جهش) از مصدر جستن است. که بیشتر ناظر بر جنبه ناگهانی و بی‌خبر رسیدن (سرنوشت) است مؤلف رساله پهلوی مینوی خرد دو مفهوم بخت و بغوبخت مقدر شده است. بخت مقدر شده از آغاز و بغوبخت آن است که پس از آن بخشند (فصل ۲۳ بندهای ۶ و ۷ ترجمه تفضیلی ص ۳۹-۴۰) و کوشیده‌اند دامنه تأثیر بخت را در زندگی آدمی مشخص و بیان کنند غالباً به این تعریف رسیده‌اند که بخت بر جهان مادی گیتی حکم فرماست و کنش بر جهان معنوی یا مینو. (وندیداد پهلوی، فرگرد، ۵ بند ۹، زنر، ۱۳۷۴)

دانشنامه جهان اسلام: بنیاد دایره المعارف اسلامی حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای به انضمام غلامعلی حداد عادل تهران ۱۳۷۵ قسمت هشتم بدرالدین اسحاق در ادبیات فارسی: بخت در ادبیات فارسی غالباً به معنی سرنوشت و نصیب از پیش تعیین شده است. و بر اثر نیروهای برتر در سرنوشت انسان دلالت می‌کند بخت بیشتر به معنی مثبت خوشبختی به کاری می‌رود. ایرنیکا ذیل بخت لفظ، برخی از شعرا بخت را قابل تغییر و مغلوب توکل به حق می‌دانند. (ناصر خسروی ۳۶۹، ۲۹۲، سنایی ۱۱۷) اما بیشتر شعر نویسندگان بنا به حدیث نبوی: السعید منسعد فی بطن آمد و

الشقی فی بطن امه (سیوطی ج ۲ ص ۳۷) منابع: بندهش (گردآوری) فردادگی: ترجمه مهرداد بهار تهران ۱۳۶۹ ش بنیاد فرهنگ ایران. شعبه تألیف فرهنگ‌های فارسی. فرهنگ تاریخی زبان فارسی بخش اول. آ-ب تهران ۱۳۵۷ ش

آیین زروانی مذهبی زردشتی: برخی از محققان این اعتقاد متأثر از آئین زروانی مذهب زرتشتی است. زرنر، ص ۳۷۰-۳۷۱-۳۷۹۰ ایرانیکا ذیل (بخت مفهوم) زیرا مزدیستان پنج بهره از بیست و پنج بهر اعمال آدمی را در گرو بخت می‌دانند و به نظر آنان زروان تقدیر کننده خوب و بد است. و ستارگان عوامل اویند. (زرنر ص ۳۸۹، ۶) کاربرد اصطلاحات نجومی چون اسطرلاب تئلیت: تربیع. تدیس. رصد بستن. قرآن و مقارنه. دال دیدن و نیز رواج اصطلاحاتی نظیر سعد. و نحس و دلالت آل بر سرنوشت بستر مرده ناشی از این تأثیر باشد (منوچهری ص ۵ ناصرخسرو ص ۳۱۱ سنایی ص ۹۹) فائز ص ۸۳، ۲۸، ۸۲

روم باستان: لاروس کثرت مضامین ایچی چون شکایت از روزگار: زمانه و فلک در آثار شعرای پارسی گوی گذشته از سبک آیین زروانی و عقاید کلامی اشعری ناشی از اساطیر کهن نیز هست. چنان‌که به برخی محققان از زمان اختراع چرخ در هزاره سوم یا چهارم پیش از میلاد گردش فلک و سیر شدن زمان واژگونی بخت را به ذهن انسان خطور می‌داده (۳) خطاناپذیری بخت با چرخش دورانی خود، تمثیل بخت‌آزمایی و تصویر می‌کرده است. (دوبوکور ص ۸۹) منابع: معمای زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری تهران ۱۳۷۴ ش، رمزهای زمانه جان. ترجمه جلال ستاری تهران ۱۳۷۳ ش

باورهای عامیانه در ادبیات فارسی: در باورهای ایران عامیانه هم او باز و سایه آنها مظهر فر و شکوه، سعادت و نیکبختی سلطنت است زاغ و زغن و جغد نیز مظهر شومی و ادبار تلقی شده‌اند، منابع: نظامی، خسرو و شیرین ص ۲۷ سعدی ص

۶۹۶۸۲۵ حافظ غزل ۲۱۳۱۸۴/۳۷۰

تأثیر نیروی افلاک بر بخت:

اعتقاد به نیروی افلاک و نیروی بخت در ادبیات فارسی به طریق کاوش در احوال ستارگان طالع بینی و یافتن راز سپر متجلی شده است چنان که شاهان و قدرتمندان هنگام تولد نوزاد... تقسیم سلطنت میان فرزندان انتخاب روز و زمان مناسب برای ساختن بنا و کاخ دانستن زمان و عاقبت ازدواج خود و فرزندان شان طالع از منجمین و صالح بنان ه گام بلا و عارض جنگی و عاقبت شوم. فردوسی ج ص ۳ س ۱۰ سعدی س ۷۸۶ نام خسرو ص ۲۴ سنایی ص ۶۵۸ حافظ غزل ۱۹۸. آیین بخت. عروس بخت، بخت گسا. نظامی، لیلی مجنون، ص ۲۴، ۲۱۳ حافظ غزل ۳۷۴، ۳۱۴، ۳۱۰ منوچهری ص ۱۱

بختیار نامه:

در تاریخ سیستان (ص ۸-۹) از بختیاری توصیف و بیان می‌باشد که جهان پهلوان دوران خسرو پرویز بوده است و تبار و که واسطه رستم به گرشاسب می‌رسد. قدیمی‌ترین بختیار نامه‌ای که امروز در دست است، به زبان عربی به نام عجائب البخت فی قدمته الاحدی عشر وزیراً ماجرای لهم مع ابن الاکک. آزاد بخت مورخ ۱۰۰۰ ام چاپ مصر ۱۸۸۶ تجدید چاپ ذبیح‌الله صفا تهران ۱۳۴۷ قدیمی‌ترین نسخه فارسی داستان مورخ ۶۶۴ است. نسخه خطی کتابخانه ملی فرانسه ۲۰۲۱، بلوشه ج ۴ ص ۱۴-۱۵ نسخه خطی لندن ۵۹۳ مورخ ۶۹۵

در اسکندرنامه متعلق به قرون ششم تا هشتم یافت می‌شود ص (۱۹۸-۱۹۹) ژوبر، نسخه‌ای از این داستان را که به زبان اویغوری است توصیف کرده است روایاتی از بختیارنامه در برخی نسخه‌های الف لیله و لیله یافت می‌شود بختیارنامه نسخه خطی: نسخه خطی ۲۰۳۵ کتابخانه ملی فرانسه شواهد درونی، سبک نشر آن و اظهارات

عرفی (ج ۱ ص ۲۱۲) دال بر آن است به احتمال زیاد نوشته شمس الدین محمد دقایقی امروزی است. ذبیح الله صفا بختیارنامه دقایقی را با عنوان راحۃ الرواح فی سرور المفراح چاپ کرده است (تهران ۱۳۴۵ ش) صفا عجاب البخت را همراه با نسخه ۲۰۳۶ کتابخانه ملی فرانسه پاریس (بلوشه، ج ص ۱۵ و ۱۶) مورخ ۸۰۹ بنام بختیارنامه چاپ کرده است. منابع: اسکندرنامه چاپ تهران (۱۳۷۴۳ ش ایرج افشار).

تاریخ سیستان چاپ محمدتقی بهار تهران ۱۳۱۴ ش

داستان مشهور کهن فارسی، به صورت یک قصه اصلی و نه قصه فرعی قدیم ترین روایت از عاهاً از شمس الدین محمد دقایقی مروزی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم آیت قصه اصلی به این شرح است. آزادبخت پادشاه نيمروز (سیستان قدیم) می باشد بخیار، الدوله: امیر سلسله شیعی مذهب آل بویه (دیلیمان) در عراق (۳۳۱-۳۳۲-۳۶۷) ابومسلم در بخیار ملقب به عز الدوله. (ابن ملکان، ج ۱ ص ۲۶۷) در اهواز متولد شد. از خلیفه المطیع اله اقب عزالدوله یافت (سیوطی، ص ۴۰۱) در همان سال به جای پدر مشتمل بر آنریایان. جزیره بین النهرین و خوزستان. جزایر عمان و کرمان که تصرف عضدالدوله در آمد. بود حکومت کرد (بخیار در مکه معظمه خطبه خوانده شد و سکه ضرب زده شد: م. ا. ا. هنگام مرگ وصیت کرد که لقب امیر الامرایع بغداد را به بخیار دهند. مسکویه ج ۱، ص ۱۵۸ پس عزالدوله. بخیار بر سر امارت مکه رقابت و زد و خورد داشتند چنانچه در سال ۳۴۳ (ابن اثیر ج ص ۵۰۹) در سال ۳۵۶ در مراسم حج بنی سلیم امیر الحاج امارت حج را عهده ابو احمد موسوی پدر شریف رضی و علم الهدی گذاشته شد و بر خلافت المطیع لله نیز تأکید شد (ابن خلدون ج ۴ ص ۱۲۰) (مسکویه ج ۲ ص ۲۸۶) ابن اثیر ج ۸ ص ۱۲۰)